

فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین

(نشریه علمی)

دوره جدید - سال ششم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۹ - شماره پيوسته ۲۸

بررسی تحولات واکی واژه‌های زبان کردی (گوش کلهری) در گذر تاریخ نسبت به

زبان پهلوی (ص ۴۷ - ۶۹)

فرهاد پروانه^۱ (نویسنده مسئول)، مهدی احمدی‌خواه^۲، لیدا شمشیری^۳

: 20.1001.1.2345217.1399.10.2.3.1

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۸/۱۴

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

ایل کلهر، یکی از بزرگ‌ترین ایل‌های بومی ایران است و گوش کلهری نیز یکی از گوش‌های آن - از شاخه زبان‌های شمال غربی - به شمار می‌آید. از مطالعه واژه‌های موجود و مستعمل در این گوش (گوش کلهری) چنان برمی‌آید که این واژه‌ها از چنان قدمتی برخوردارند که پیشینه آن‌ها به زبان فارسی میانه پهلوی می‌رسد. پاره‌ای از این واژه‌ها در گذر زمان بدون تغییر باقی مانده و پاره‌ای نیز تحت تأثیر دگرگونی‌های زبانی، دچار تحولات واکی شده‌اند. این مقاله بر آن است تا با استفاده از دو شیوه کتابخانه‌ای و میدانی و با رویکرد تحلیلی - توصیفی به بررسی تطبیقی شکل، ساختار و همچنین تحولات واژه‌های حاضر در گوش کلهری نسبت به شکل پهلوی آن‌ها بپردازد. نمونه مورد مطالعه در این پژوهش، گوش کلهری شهرستان‌های گیلان غرب و ایوان غرب است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بخشی از واژه‌ها از لحاظ شکل (لفظ) و معنا عیناً از زبان پهلوی به گوش کردی کلهری انتقال یافته‌اند و بخشی دیگر نیز در شکل عیناً انتقال یافته‌اند ولی معنای آن‌ها دستخوش تغییر شده است و بخشی نیز واژه‌هایی هستند که در آن‌ها تحولات واکی (فرایند کاهش، فرایند افزایش، فرایند تبدیل و فرایند واکی دوگانه) روی داده‌است.

کلمات کلیدی: زبان کردی، گوش کلهری، زبان پهلوی، تحولات واکی.

Email: farhad.parvaneh@yahoo.com

^۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه لرستان.

Email: nima.ahamdi20@gmail.com

^۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام.

Email: lidashamshiry@yahoo.com

^۳. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و دبیر آموزش و پرورش.

۱. مقدمه

براساس مطالعات اخیر زبان‌شناسی، در هزاره سوم میلاد قومی وجود داشته‌اند که به زبان خاصی تکلم می‌کرده‌اند. زبان‌شناسان، آن قوم را «هند و اروپایی» نامیده‌اند که بعدها طوایفی از آن جدا شدند و در اطراف جهان پراکنده گشتند (نک: نائل خانلری، ۱۳۷۴: ب: ۵۹). طبق تقسیم‌بندی‌ها و مطالعات زبان‌شناسان، تمام زبان‌های بشری از همین خانواده بزرگ «زبان هند و اروپایی» سرچشمه گرفته‌اند. همچنین از این خانواده گروه کوچک‌تری به اسم «زبان‌های هند و ایرانی» متولد شده‌است که کلیه زبان‌های ایرانی در زیرمجموعه آن قرار می‌گیرند. زبان‌هایی چون زبان فارسی و زبان‌های هم‌عرض آن (کردی، لری، بلوچی، گیلکی، مازندرانی، طالش و...) که مدام با یکدیگر در ارتباط بوده‌اند و لغات و اصطلاحاتی از همدیگر اقتباس نموده‌اند (همان: ۱۳۸). خانلری در مورد شاخه‌ها و شعب زبان کردی می‌گوید: «گروه اصلی اول کورمانجی که خود به دو شعبه تقسیم می‌شود: شعبه شرقی یا مکرری در سلیمانیه و سنه (سندج) و شعبه غربی در دیاربکر و رضائیه (ارومیه) و ایروان و ارمز روم و شمال سوریه و شمال خراسان. گروه اصلی دیگر یا گروه جنوبی در منطقه کرمانشاه و بختیاری» (خانلری، ۱۳۷۴: الف: ۲۹۵). اما مک‌کاروس و ویندفور معتقدند که کردی، به سه شاخه شمالی، مرکزی و جنوبی تقسیم می‌شود (به نقل از خنجری و راشد محصل، ۱۳۹۷: ۲۲) که گویش کلهری در شاخه جنوبی آن، جای دارد.

گویش کلهری شاخه‌ای از کردی جنوبی است و کردی نیز از خانواده‌ی زبان‌های ایرانی است که در سیر تاریخی خود هم‌عرض زبان فارسی به حیات خویش ادامه داده‌است. هم‌اکنون این گویش یکی از گویش‌های زنده و پویای زبان کردی است که گویشوران زیادی را در استان‌های کرمانشاه، ایلام و حتی شهرهایی از کشور عراق (خانقین و مندلی تا بغداد) شامل می‌شود. گویش کلهری در تمام مناطق ذکر شده تقریباً به یک شکل است، جز در مواردی که به دلیل همجواری با دیگر گویش‌ها (گویش جافی، لری و...) یا دیگر زبان‌ها (زبان عربی) تغییراتی در تلفظ بعضی از واژه‌ها ایجاد شده‌است. از مطالعه واژه‌های موجود و مستعمل در گویش کردی کلهری چنین بر می‌آید که این واژه‌ها از چنان قدمتی برخوردارند که پیشینه آن‌ها به زبان فارسی میانه پهلوی می‌رسد. پاره‌ای از این واژه‌ها در گذر زمان بدون تغییر باقی مانده و پاره‌ای نیز تحت تأثیر دگرگونی‌های زبانی، دچار تحولات واکی شده‌اند. گستردگی محدوده جغرافیایی، کثرت گویشوران امروزی و همچنین پویایی و زنده‌بودن این گویش، توجه بسیاری از پژوهشگران زبانی را به خود معطوف کرده‌است.

بررسی زبان‌ها و دنبال کردن سیر تحول آن‌ها از گذشته تا به حال، بدون کاوش در تاریخ و مطالعه تطبیقی - تاریخی ممکن نیست (کردزعفرانلو نو همکاران، ۱۳۸۹: ۲). با توجه به این که گویش کلهری زبان

کردی همچون سایر زبان‌ها و گویش‌ها، همواره دستخوش تحولات آوایی بوده است، لذا بررسی تغییرات واجی در این گویش ضروری به نظر می‌رسد.

۱-۱. پرسش‌های تحقیق

مقاله حاضر تنها به بررسی و مطالعه واژه‌های گویش کلهری (گیلان‌غربی و ایوانی) و ارتباط آن با زبان پهلوی می‌پردازد. هدف کلی این پژوهش، بررسی و مشخص کردن تحولات واکی واژه‌های زبان کردی (گویش کلهری) در گذر تاریخ نسبت به زبان پهلوی است. این پژوهش در پی پاسخ به این سؤالات است:

- ۱- آیا واژه‌های کردی کلهری گیلان‌غربی و ایوانی ریشه در زبان پهلوی دارند؟ اگر واژه‌های این گویش، ریشه در زبان پهلوی دارند، در گذر زمان چه تحولات واکی‌ای در آن‌ها روی داده‌است؟
- ۲- آیا واژه‌هایی در گویش کلهری گیلان‌غربی و ایوانی وجود دارد که نسبت به شکل پهلوی‌شان هیچ گونه تغییر و تحولی در آن‌ها صورت نگرفته‌باشد؟

نگارندگان این پژوهش، فرضی را مطرح کرده‌اند که بسیاری از واژه‌های گویش کلهری زبان کردی ریشه در زبان پهلوی دارند و نسبت به شکل پهلوی‌شان هیچ گونه تغییر و تحولی در آن‌ها شکل نگرفته است.

۱-۲. پیشینه تحقیق

با توجه به مطالعات و بررسی‌های انجام شده، کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های بسیاری در موضوع ایل کلهر، گویش کلهری و بررسی آن از دیدگاه‌های مختلفی در طی سال‌های گذشته و اخیر نگاشته شده‌است. در این بخش به برخی از این پژوهش‌ها که به نحوی با موضوع این مقاله مرتبط‌اند و نگارندگان نیز از آن‌ها کمک جسته‌اند، به اختصار اشاره می‌شود:

- پایان‌نامه کارشناسی ارشد «تصریف و اشتقاق واژه در گویش کردی کلهری بر اساس صرف زایشی» از علی محمد مرادی (۱۳۷۹)؛

- مقاله «تحلیل و توصیف فرایند حذف در زبان کردی کلهری» از محمد بدخشان و محمد زمانی (۱۳۹۲)، چاپ شده در مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی، شماره ۸، (۱۳۹۲)؛

- مقاله «غلتسازي واكه به عنوان راهكاري براي رفع التقای واكه‌ها بررسی نمونه‌هایی در کردی کلهری» از مهدی فتاحی، چاپ شده در مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۲۸۱، (۱۳۹۱)؛

۵۰ فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران‌زمین، دوره ۶، شماره ۲، پیاپی ۲۸، تابستان ۱۳۹۹

- مقاله «اصطلاحات و واژه‌های مربوط به اسامی خاص مردان و زنان در گویش کله‌ری گونه ایوانی» از ناصر ملکی و علیرضا خانی، چاپ‌شده در مجله گویش‌شناسی، شماره ۷، (۱۳۸۷)؛
- مقاله «بررسی واژه‌های دامداری در گویش کله‌ری» از ناصر ملکی، چاپ شده در مجله گویش‌شناسی، شماره ۳، (۱۳۸۳)؛
- مقاله «فرایندهای واجی در گویش کردی سنقر کلایبی»، از خنجری، سلمان و راشد، محمد تقی، فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، سال ششم، شماره ۲۱، (۱۳۹۷)؛
- مقاله «واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به انار در گویش کله‌ری» از ناصر ملکی و داریوش یارمرادی، چاپ‌شده در مجله گویش‌شناسی، شماره ۲، (۱۳۸۳)؛
- مقاله «جستاری در قواعد صرفی و نحوی گویش کردی جنوبی (با بررسی موردی سه زیرگویش خزلی، لکی، کله‌ری)» از مسلم خزلی و سکینه آزادی، چاپ شده در مجله ادبیات و زبان های محلی ایران زمین، شماره ۲، (۱۳۹۷)؛
- مقاله «فرایندهای واجی همخوانی در گویش کردی کله‌ری» از عالیبه کرد زعفرانلو و الهام ثباتی، چاپ شده در مجله جستارهای زبانی، شماره ۱۷، (۱۳۹۳)؛
- مقاله «بررسی رفتار نمود ناقص در زبان کردی گویش کله‌ری» از فاطمه ناصری، چاپ شده در مجله رخسار زبان، شماره ۶، (۱۳۹۷)؛
- مقاله «پیشنهاد الفبا و خطی برای خواندن و نوشتن گویش کردی کله‌ری» از علی‌اکبر تقی‌پور، چاپ شده در مجله چیستا، شماره ۶۹، (۱۳۶۹)؛
- مقاله «تحلیل و توصیف فرایند نرم‌شدگی در زبان کردی گویش کله‌ری» از محمد زمانی و ابراهیم بدخشان، چاپ شده در مجله زبان‌پژوهی، شماره ۱۹، (۱۳۹۵)؛
- مقاله «تحلیل و توصیف فرایند کشش جبرانی در گویش کردی کله‌ری بر پایه نظریه بهینگی» از ابراهیم بدخشان و محمد زمانی، چاپ شده در مجله زبان و زبان‌شناسی، شماره ۱۷، (۱۳۹۲).

۳-۱. شیوه تحقیق

همان‌طور که از اسامی و موضوعات تحقیقات و مقالات ذکر شده بر می‌آید، هر کدام از پژوهش‌های مذکور به صورت جداگانه در مورد زبان کردی و گویش کله‌ری و ... از جنبه‌های مختلف پرداخته‌اند و به نوبه خود دارای ارزش علمی خاص هستند. در حالی که نگارندگان در تحقیق پیش رو سعی کرده‌اند که پژوهشی جامع و مانع، شامل مهم‌ترین تحولات واکه‌های گویش کله‌ری (گیلان‌غربی و

ایوان غربی) زبان کردی در طول تاریخ نسبت به زبان پهلوی را مورد بررسی و تحقیق قرار دهند و نتایج آن را به خوانندگان عرضه نمایند.

پژوهش حاضر به شیوه تلفیقی میدانی (گفتگوی مستقیم با گویشوران کلهری شهرستان‌های گیلان غرب و ایوان غرب) و کتابخانه‌ای (مراجعه به کتاب‌های معتبر مرتبط با گویش کلهری) و نیز اساس قراردادن کتاب‌های «فرهنگ پارسی به پهلوی» از بهرام فره‌وشی و فرهنگ باشور (واژه‌نامه کردی کلهری) از عباس جلیلیان با رویکرد توصیفی-تحلیلی به انجام رسیده است. تمام داده‌های این پژوهش، حاصل گفتگوی مستقیم با بیش از صد نفر از گویشوران کلهری شهرستان‌های گیلان غرب و ایوان غرب در رده سنی بین ۳۵ تا ۵۵ سال است. روش نگارندگان در این تحقیق بر آن بوده است تا واژه‌های کردی کلهری جاری در گفتار روزمره گویشوران دو شهرستان مذکور و صورت ثبت شده‌شان در فرهنگ باشور (واژه‌نامه کردی کلهری) از عباس جلیلیان را با شکل مکتوب آن‌ها در «فرهنگ پارسی به پهلوی» از بهرام فره‌وشی بررسی و تطبیق دهند و با رجوع به کتاب‌های «کلهرنامه» از نهاید محمدی، «چیستان‌های ایلامی» از علی‌رضا شوهانی و «یک‌هزار ضرب المثل کردی کلهری» از نورا... کریمی و اکبر رضایی اصالت آوایی این واژه‌ها را تأیید نموده و نسبت به استخراج داده‌ها اقدام نمایند. بر این اساس، قریب به ۲۰۰ واژه پهلوی و ۲۰۰ واژه کلهری یادداشت برداری گردید. پس از بررسی و تحلیل، یادداشت‌های تحقیق در سه مقوله زیر دسته‌بندی گردید:

۱- واژه‌هایی که از لحاظ شکل و معنا عیناً از پهلوی به کلهری امروز گیلان غربی و ایوانی انتقال یافته‌اند؛

۲- واژه‌هایی که از نظر شکلی، عیناً انتقال یافته ولی معنای آن‌ها تغییر یافته است؛

۳- واژه‌هایی که در آن‌ها تحولات واکی (فرایند کاهش، فرایند افزایش، فرایند تبدیل و فرایند واکی دوگانه) روی داده است.

در مرحله نهایی نیز، تعداد ۸۰ واژه پهلوی و ۸۰ واژه کلهری انتخاب و ملاک مقایسه قرار گرفت:

۱-۴. مفاهیم پژوهش

۱-۴-۱. ایل کلهر

ایل کلهر یکی از شعب اصلی ایل‌های کرد ایران و از کهن‌ترین طوایف غرب ایران است. ایل کلهر بزرگ‌ترین ایل‌های کرمانشاه و دومین ایل بزرگ ایران است. مردمان آن کردتبار هستند و به گویش کردی کلهری تکلم می‌کنند. ایوان غرب، گیلان غرب و اسلام آباد غرب، مراکز اصلی ایل کلهر هستند (نک: میرینا، ۱۳۶۸: ۲۷). زبان ایل کلهر، کردی با گویش کلهری است. این گویش، اولین گویش کردی است که از آن نوشتار باقی مانده است. مسکن اولیه ایل کلهر در شهر کالج (نمرود فعلی) در بین النهرین بوده است. آن‌ها بعدها به دامنه‌های شاهو و قلعه پلنگان (حد فاصل سنندج با

کامیاران) کوچ می‌کنند و سپس به اطراف شاهراه خانقین - کرمانشاه نقل مکان می‌نمایند، هرچند که به صورت پراکنده در سایر نقاط کردستان هم حضور دارند. ایل کلهر پیش از روی کار آمدن صفویان تا ابتدای حکومت شاه طهماسب اول، دارای موقعیتی مستقل و خودمختار بوده است، اما در سال ۱۱۴۰ه.ق. قرارداد صلحی بین حکومت ایران و دولت عثمانی (ترکیه) بسته شد که مانع از جنگ بین این دو کشور شد و به موجب این پیمان صلح، همدان، ایالت کرمانشاهان و خاک کلهر به دولت عثمانی (ترکیه) واگذار گردید و در مقابل، پادشاه عثمانی حکومت اشرف افغان را در ایران به رسمیت شناخت. مسکن آنان در غرب ایران، شهرستان ایوان‌غرب در استان ایلام و در استان کرمانشاه در شهرستان‌های گیلان‌غرب، اسلام‌آباد غرب، بخشی از کرمانشاه، سرپل ذهاب، قصر شیرین و بخشی از شهرستان‌های چرداول، دره شهر و سیروان در استان ایلام است و بیجار و قروه در کردستان و جغتو شاهین دژ (چهاردولی‌ها)، و از طرف مغرب به خاک کردستان عراق، محدود می‌شود. شهر گیلان‌غرب تنها شهر استان کرمانشاه است که همه ساکنان آن از ایل کلهر هستند (نک: گودرزی، ۱۳۸۱: ۱۸). راولینسون درباره قدمت و موقعیت ایل کلهر می‌گوید: «کلهرها اگر قدیمی‌ترین ایل کردستان نباشند، به عنوان یکی از طوایف قدیمی منطقه شناخته شده‌اند» (راولینسون، ۱۳۶۲: ۴۷). عمادالدین دولتشاهی با آموختن الفبای اوستایی و ترجمه تازه‌ای از یشت‌ها نکات جالبی از زوایای تاریک منطقه غرب ایران را روشن می‌کند. وی با ترجمه متن‌هایی از اوستا، منطقه غرب ایران از قصر شیرین تا ایلام به‌ویژه «ایوان غرب» و «گیلان‌غرب» را که مرکز ایل کلهر هستند؛ محل زندگی اقوام اسطوره‌ای ایران معرفی می‌کند. همچنین حکاکی اسم گیلانی کلهر که بر روی قبور اجداد کلهر کشف شده است و به ۱۲۰۰ سال قبل برمی‌گردد، قدمت ایل بزرگ کلهر را به دوران ساسانی و قبل اسلام می‌رساند (نک: گودرزی، ۱۳۸۱: ۲۳).

۲-۴-۱. گیلان‌غرب، ایوان غرب

گیلان‌غرب به کردی: گیله‌لان (مرکز شهرستان گیلان‌غرب واقع در جنوب غرب استان کرمانشاه و شمال غرب استان ایلام) است. مردم این شهر کُرد و از طایفه‌های مختلف ایل کلهر هستند. زبان مردم این شهر کردی و از شاخه کردی جنوبی است با گویش کلهری و با لهجه مردم منطقه گیلان‌غرب ادا می‌شود. جمعیت این شهر طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ بیش از ۲۲۰۰۰ نفر بود که در مقایسه با سال‌های قبل کاهش داشته است و دلیل آن مهاجرت بی‌رویه مردم شهرستان به سمت شهرهای بزرگ‌تر استان و ایران است. این شهر بر سر مسیر اصلی قصر شیرین - ایلام قرار دارد همچنین جمعیت آن ۲۲۳۳۱ نفر است که در این بین ۱۱۱۱۵ مرد و ۱۱۲۱۶ زن است و ۶۶۶۲ خانوار زندگی می‌کنند مردم این شهر بیشتر مسلمان و پیرو مذهب شیعه هستند. گیلان‌غرب از قطب‌های مهم ادبی و جایگاه ادیبان نامدار در عرصه فعالیت‌های ادبی کُردی جنوبی در استان‌های کرمانشاه و ایلام است. این دشت نیز با وجود

سراب و باغ زیبای «گیه‌ل» (گیه‌ل: نام قدیم مورت «مورد امروزی») که گیاهی کمیاب، دارویی، شفابخش، مقدس و مورد توجه آیین زرتشت و گذشتگان بوده‌است و این منطقه نیز به نام «دشت گیه لان gyalan» به معنی جایی که درخت «گیه‌ل» دارد نامگذاری شده‌است. بنابراین اسم «گیه لان» یک اسم کاملاً کردی است که از ریشه (گیل = gyal = مورت) گرفته شده و هیچ ارتباطی با گیلان شمال که برگرفته از (قوم گیل = gil = گیلک) است ندارد، گیه لان gyalan = آن در فارسی حذف شده و به اشتباه گیلان gilan = نوشته شده‌است. (نک: علیزاده، ۱۳۹۰: ۴-۲۵).

شهرستان ایوان غرب، از توابع استان ایلام با مرکزیت شهر ایوان و با جمعیتی حدود ۴۹۴۹۱ نفر (طبق آمار سرشماری سال ۹۵) در قسمت شمالی استان قرار دارد. این شهرستان دارای دو بخش (مرکزی و زرنه) است و از شمال شرقی و شرق به شهرستان شیروان چرداول، از شمال و شمال غربی به شهرستان گیلان غرب (از توابع استان کرمانشاه)، از جنوب به شهر ایلام و از غرب به بخش سومار از توابع شهرستان قصرشیرین در استان کرمانشاه محدود می‌شود (نک: پرهیزگاری، ۱۳۸۲: ۱۸). این شهرستان یکی از مراکز اصلی ایل کلهر در غرب کشور است که به گویش کلهری ایوانی تکلم می‌کنند. این گویش (کلهری ایوانی) دارای ۳۸ آوا شامل ۳۰ صامت و ۸ مصوت است (دلشاد، ۱۳۸۶: ۳۵).

۳-۴-۱. تحولات واکی

از آنجا که زبان، امری اجتماعی است و صورتی ثابت و واحد ندارد، پیوسته به تبع اجتماع و همراه با نیازهای جامعه در حال تغییر و دگرگونی است. بنابراین هر زبان در هر دوره‌ای دارای اختصاصاتی است که با دوره‌های قبلی و بعدی متفاوت است (نک: باقری، ۱۳۶۹: ۳۰)؛ مثلاً دگرگونی‌های آوایی در واژه‌ها از یک رشته قواعد دقیق موسوم به قوانین آوایی پیروی می‌کنند که این دگرگونی‌ها به صورت تصادفی و بی‌هدف انجام نمی‌گیرد، بلکه مبتنی بر اصول نظام‌مندی بوده‌است، پس تمام داده‌ها باید مورد بررسی دقیق قرار گیرند (نک: بیگس، ۱۳۸۹: ۴۶).

یکی از انواع تحول که در مقایسه یک کلمه یا جمله از زبان فارسی میانه با جمله‌ای متضمن همان معنی در زبان یا گویش دیگر مشهود می‌شود تغییر واک‌ها است. تحول واک‌ها در متن کلمات و واژه‌ها از قدیم‌ترین زمان، مورد توجه دانشمندان قرار گرفته‌است (نک: خانلری، ۱۳۷۴ الف: ۸۱). اما بحث در چگونگی تحول واک‌ها از وقتی صورت علمی یافت که دانشمندان، اسناد موجود از صورت‌های مختلف یک زبان را در طی زمان‌های متوالی مورد مطالعه قرار دادند و به روابط خویشاوندی میان بعضی از زبان‌ها پی بردند و اجزاء و ساختمان زبان‌هایی را که با هم از یک خانواده بودند، با هم مقایسه کردند (همان: ۸۳). تحول واک‌ها طبق قوانین دقیق و مشخصی روی می‌دهد و غالباً نتیجه تمایلی عام

در یک عصر یا یک دوره از تاریخ زبان است. هر زبانی در حال تحول دائم است و در هر زمان، آمادگی خاصی برای دگرگونی دارد که زمینه آن از زمان‌های پیشین فراهم شده‌است و این دگرگونی، طی مراحل متوالی انجام می‌گیرد که در آن بعضی واک‌ها از میان رفته و بعضی دیگر دگرگون شده‌اند (همان: ۸۴).

۴-۱-۴. زبان پهلوی

پارسی میانه یکی از زبان‌های ایرانی است که بنا به تعریف از اوایل دوران اشکانی نخست در جنوب غربی ایران و سپس در زمان ساسانیان به عنوان زبان رسمی همه امپراتوری ایران تا صدر اسلام رواج داشته‌است. خاستگاه این زبان که فرزند پارسی باستان به حساب می‌آید؛ پارس بود. در دوران اشکانیان، پارسی میانه زبانی محلی بود و از پهلوی اشکانی تأثیراتی پذیرفت تا اینکه در زمان ساسانیان زبان رسمی شاهنشاهی شد. کتیبه‌ها و اسناد ساسانیان و بسیاری از کتاب‌ها به این زبان نوشته می‌شد. با برافتادن ساسانیان و تا چند سده پس از اسلام همچنان تولید اثر به این زبان ادامه داشت گرچه عملاً زبانی نیمه‌مُرده به‌شمار می‌آمد. پارسیگ شناخته شده به‌نام «پهلوی» در ادبیات فارسی و همچنین نامور به پارسی میانه در نوشته‌های آکادمیک، یک زبان ایرانی میانه بود که در دوران ساسانی ابتدا در جنوب غرب فلات ایران و سپس به عنوان زبان میانجی در تمام شاهنشاهی، بدان صحبت می‌شد. پارسیگ به شاخه ایرانی جنوب غربی تعلق دارد. این زبان از زبان پارسی باستان سرچشمه گرفته و نیای زبان فارسی و تعداد دیگری از زبان‌های ایرانی جنوب غربی نظیر لری است (نک: اشمیت، ۱۳۹۰: ۴۳۷).

زبان پارسی میانه را در متن‌های کهن فارسی، نو پهلوی و در متن‌های کهن عربی، فهلوی نامیده‌اند. قدیم‌ترین مأخذی که در آن زبان پارسی میانه پهلوی نامیده شده روایت جاحظ (متوفی به سال ۲۵۵ ه. ق.) است (نک: صادقی، ۱۳۵۷: ۷۸). بنابراین، پهلوی‌نامیدن زبان پارسی میانه دست‌کم از سده سوم هجری رایج بوده‌است. دلیل به کار رفتن اصطلاح پهلوی برای نامیدن صورت کهن زبان پارسی آن‌است که در سده‌های آغازین پس از اسلام واژه پهلوی در بردارنده این معانی نیز بوده‌است: «ایرانی (در معنای کلی واژه)» و «قدیمی (البته نه هر قدیمی، بلکه راه و رسم ایرانی قدیمی، که در شاهنامه بیشتر به این معنی برمی‌خوریم)» (صادقی، ۱۳۵۷: ۶۸).

حتی این واژه هاله‌ای از معناهای گوناگونی چون «اشرفی»، «باستانی»، «باشکوه» و.. یافته بوده که بازتاب آن را در شاهنامه می‌بینیم. بنابراین، زبانی که یادآور آیین‌ها و دوره‌های کهن ایران بود به سادگی می‌توانست زبان پهلوی نامیده‌شود (آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۰: ۴۲). واژه پهلوی در واقع به معنای «منسوب به پهلُو یا همان پارت است. پهلُو از دوره هخامنشی به بعد نام یکی از استان‌های شمال شرقی ایران بوده‌است که در دوره ساسانی زبان رایج این استان (پهلُو یا همان استان پارت) را پهلویگ

یا پهلوانینگ می‌نامیدند. به سخن دیگر، پهلوی یا پهلوانی در اصل نام زبان دیگری بوده که با زبان پارسی میانه فرق دارد و امروزه آن را در کتاب‌های زبان‌شناسی، پهلوی اشکانی یا پارتی می‌نامند (رضایی باغ‌بیدی، ۱۳۸۷: ۹۱).

۲. یافته‌های پژوهش

۲-۱. تطبیق واژه‌های کلهری ایوان با شکل پهلوی آن

در این بخش، نگارندگان پس از استخراج واژه‌های کردی کلهری، به مطابقت آن واژه‌ها با شکل پهلوی‌شان در سه بخش مجزا پرداخته‌اند که عبارتند از:

۲-۱-۱. واژه‌هایی که از لحاظ شکل و معنا عیناً از پهلوی به کردی کلهری انتقال یافته‌اند

آن گونه که پیش‌تر بیان شد، گویش کلهری یکی از گویش‌های شاخه جنوبی زبان کردی است و زبان کردی نیز یکی از زبان‌های هم‌عرض (کردی، لری، بلوچی، گیلکی، مازندرانی، طالشی و...) زبان فارسی در فلات ایران به شمار می‌رود. زبان پهلوی نیز، زبان رسمی حکومت ساسانیان در ایران بوده و تا دو قرن بعد از اسلام، در گوشه و کنار و مناطقی از کشور کاربرد محاوره‌ای و کتابتی داشته‌است. از این رو با توجه به هم‌عرضی زبان کردی با زبان پهلوی، واژه‌هایی در دو زبان قابل مشاهده است که از لحاظ آوایی و معنایی اشتراک داشته و تا به امروز بدون تحول در ساختار به حیات زبانی و ادبی خود ادامه داده‌اند. شواهد زیر نمونه‌هایی از این دسته از واژه‌ها است:

پهلوی (فره‌وشی، ۱۳۸۰)	کردی کلهری (گیلان غربی و ایوان غربی)
âsen = آهن	âsen = ناسن = آهن

کوتی ئاسین، کوتی چوو، وهره وهرکه چوو، گیانی ده‌رچوو.
kotê âsen, kotê çu, waraw har ka çu, gyânê dar çu.
نیمی از آهن، نیمی از چوب، رو به هر کس برود جانش در می‌رود.

(شوهانی، ۱۳۹۶: ۸۲)

پهلوی	کردی کلهری (گیلان غربی و ایوان غربی)
=xvaš خوش	=xvaš خواهش = خوش

ته‌نگی و خواهشی تا سه‌ر نیه‌مین

tangi-u xvaši tâ sar nyminê.

شادی و غم ماندگار نیست (محمدی، ۱۳۹۱: ۱۵۹).

پهلوی	کردی کلهری (گیلان‌غربی و ایوان‌غربی)
xvar = خورشید	xvar = خور = خورشید
	دونیا روشن که‌ئ ویت‌ه‌ئ شوول‌ه‌ئ خور‌ه‌ئ.
	donyâ fušen kaÿ wynaÿ şulaÿ xwar.
	مانند شعله خورشید، دنیا را روشن می‌کند (قاسمی و خانی، ۱۳۶۸ (۷۱):

پهلوی	کردی کلهری (گیلان‌غربی و ایوان‌غربی)
têž = تیز	têž = تیز = تیز
	هزار پا دیرئ له هزار بیشتر، له وا له واران له تیاره تیزتر!
	hezâr pâ dêrê la hezâr bêšter, la wâ la wârân la tyâra bêšter.
	بیشتر از هزار پا دارد د از باد و باران و هواپیما تیزتر است (شوهانی، ۱۳۹۶: ۶۴)

پهلوی	کردی کلهری (گیلان‌غربی و ایوان‌غربی)
vafir = برف	vafir = برف
	خودا بکه‌ئ دو ووفر بان یه‌ک نه‌گری.

xodâ bekaÿ do wafr bâne yak nagr.
خدا نکند دو برف روی هم بنشینند (محمدی، ۱۳۹۱: ۱۷۲).

پهلوی	کردی کلهری (گیلان‌غربی و ایوان‌غربی)
âsyâw = آسیاب	âsyâw = آسیاب
awr = ابر	awr = ابر
bêl = خاک انداز	bêl = بیل، خاک انداز
dân = دانه	dân = دانه
dêr = دیر	dêr = دیر
dêv = دیو	dêv = دیو
dol = دلو	dol = دلو
dovân = دوتا	dovân = دوتا
dro = دروغ	dro = دروغ

dušak = تَشک	dušak = تَشک
gar = تپه	gar = تپه
gyân = جان	gyân = جان
hok = خوی	hok = خوی
kârt = کارد	kârt = کارد
kaš = آغوش، کنار	kaš = آغوش، بغل
râ = برای، بخاطر	râ = برای
vâng = بانگ و فریاد	vâng = بانگ و فریاد
vârân = باران	vârân = باران
varj = برتر	varj = برتر
var = بر، سینه	var = بر، سینه
xvat = خود	xvat = خود
wim = ترس	wim = ترس

آن چه که در بالا به عنوان شواهد بخش مذکور آمده است، شکل دگرگون‌نشده آوایی و معنایی واژه‌هایی است که از دوره میانه به دوره معاصر عیناً انتقال یافته و گذر زمان نتوانسته است بار معنایی و ساختار آوایی آن‌ها را دستخوش تغییر نماید. هرچند معدود مثال‌های مذکور به روشنی بیانگر این ادعاست که گویش کردی کلهری در ریشه تاریخی خود با زبان پهلوئی ارتباط داشته است و عدم تحول لفظی و معنایی واژه‌های آن نشان از بکری و اصالت واژه‌های این گویش دارد اما شمار این واژه‌ها بدون تردید چندین برابر شواهد فوق است که خود پژوهشی گسترده و مستقل را می‌طلبد.

۲-۱-۲. واژه‌هایی که در شکل عیناً انتقال یافته ولی معنای آن‌ها تغییر یافته است

تحولات معنایی واژه‌ها معمولاً به سه صورت روی می‌دهد: ۱- توسعه که عبارت است از وسعت دادن به معنی اصلی و نخستین یک لفظ؛ مثل اطلاق خاص بر عام یا جزء به کل ۲- تخصیص به این معنی که مفهوم لفظی را از آن چه در اصل بوده است، کوچک‌تر کند؛ مثل عام بر خاص و کل به جزء ۳- شباهت الفاظ به هم؛ مثلاً واژه مدهوش در اصل به معنای «ترس» و اسم مفعول از «دهشت» است اما چون شباهتی به لفظ «بی‌هوش» دارد، آن را مترادف «مست» به کار می‌برند (نک: خانلری، ۱۳۷۴ الف: ۱۰۶-۱۰۳). این نوع از تحول در واژه‌های زبان به نسبت دیگر تحولات، کمتر و دشوارتر اتفاق می‌افتد؛ چراکه معنی هر واژه در واقع هویت و شناسنامه آن واژه در طول زمان است؛ شاید به

همین دلیل است که در همه زبان‌های دنیا گاه برای یک معنی واحد، واژه‌های متعدد به کار می‌رود. گویش کردی کلهری نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست و گاه در آن واژه‌هایی به کار می‌رود که شکل آوایی کنونی آن‌ها نسبت به شکل آوایی پهلوی‌شان یکسان بوده اما از لحاظ بار معنایی تحول یافته‌اند.

در زیر به مثال‌ها و شواهدی از این گونه واژه‌ها اشاره می‌شود:

پهلوی (فره‌وشی، ۱۳۸۰) کردی کلهری (گیلان‌غربی و ایوان غربی)

pêš = بیماری برص pês = پیس = کثیف

چه‌وی پیسه.

čawê pêsâ.

چشمش کثیف (هیز) است (محمدی، ۱۳۹۱: ۱۷۲).

این واژه امروزه در میان گویشوران کلهر زبان به دو معنا به کار می‌روند. در مورد اشیا به معنی «کثیف» و در مورد افراد به معنی «هیز» است.

پهلوی کردی کلهری (گیلان‌غربی و ایوان غربی)

vâz = جنبش vâz = واز = دست کشیدن

له‌ی کاره واز بار!

laÿ kâra vâz bâr!

از این کار دست بکش!

با توجه به معنای واژه‌ها که در بالا ذکر شده است، معنای امروزی واژه (vâz) کاملاً در تضاد با معنای پهلوی آن است؛ چرا که در معنای پهلوی آن «جنبش و پویایی» مد نظر است، در حالی که معنای امروزی آن، «دست کشیدن از کاری یا کسی» و به تبع «معطل ماندن» القا می‌شود.

پهلوی کردی کلهری (گیلان‌غربی و ایوان غربی)

jâmak = جام و بطری jâmak = جامه‌ک = آینه

سه‌ری تاشی و جامه‌ک دا وه ده‌سی.

sarê tâši-o jâmak dâ wa dasê.

سرش را تراشید و آینه نیز به دستش داد (محمدی، ۱۳۹۱: ۱۹۶).

تحول معنایی واژه فوق از پهلوی تا کلهری امروز، به نظر نگارندگان با ترکیباتی چون «جام کیخسرو»، «جام جم» که هر دو در ادبیات به معنای آینه و مترادف با «آینه اسکندری» است و همچنین در عرفان که استعاره از دل عارف است، بی‌ارتباط نیست؛ چراکه در پهلوی «جامک» جام کوچک شراب یا بطری بوده است. اما در کلهری تحول معنایی می‌یابد و در معنای «آینه» استعمال می‌شود و

جامک یعنی؛ شبیه به جامی که محتوی آن انعکاس دهنده تصویر نگرنده در آن است؛ مثلاً حافظ می‌گوید: آیینۀ سکندر، جام می است بنگر تا بر تو عرضه دارد، احوال ملک دارا (حافظ، ۱۳۷۷: ۹).

۳-۱-۲. واژه‌هایی که در آن‌ها تحولات واکی (فرایند کاهش، فرایند افزایش، فرایند تبدیل و فرایند واکی دوگانه) روی داده است

خانلری معتقد است: «تغییر و تحول یک واک، ناگهانی و به طریق اتفاق و به انفراد روی نمی‌دهد، بلکه غالباً نتیجه تمایلی عام در یک عصر یا یک دوره از تاریخ زبان است... این تحول واکی گاهی در یک دوره جمع شده و به صورت یک‌جا اتفاق می‌افتد و گاهی هم در دوره‌ای دیگر بظاهر وقفه و سکونی در سیر تحول زبان آشکار می‌شود» (خانلری، ۱۳۷۴: الف: ۸۴).

۳-۱-۲. فرایند کاهش یا حذف

گاهی در شرایط خاص، یک واحد از زنجیره گفتار کاسته می‌شود که به آن فرایند واجی حذف گفته می‌شود. «واحد واجی ممکن است از جایگاه آغازی، میانی یا پایانی واژه حذف شود (کرد زعفرانلو، ۱۳۸۵: ۲۶۷).

حق‌شناس فرایند حذف را دو نوع می‌داند؛ حذف تاریخی و حذف ساختاری و در ادامه در تشریح حذف تاریخی که موضوع مورد بحث این پژوهش است می‌گوید: «حذف تاریخی بر اثر آن به مرور زمان و طی مراحل تاریخی مختلف، یک واحد زنجیری به پیروی از قواعد تاریخی- زبانی خاصی از زنجیره‌های آوایی مشخص، حذف می‌شود... مثلاً: نامک، زردک و سیاهک به ترتیب نامه، زرده و سیاهه شده است» (حق‌شناس، ۱۳۹۲: ۱۵۷).

پهلوی (فره وشی، ۱۳۸۰)	کردی کلهری (گیلان‌غربی و ایوان غربی)
diârih = آشکار	diâri = آشکار
{واک ۳ و آخر}	گاله گوری دیاره.

gâ la guri diâra.

ارزش گاو از گوسالگی معلوم است (محمدی، ۱۳۹۱: ۲۱۹).

در مثال فوق از ساخت پهلوی واژه، واک سوم (t) و واک آخر (h) حذف شده است و ساخت باقی مانده آن در گویش کلهری کنونی، استعمال می‌شود.

پهلوی	کردی کلهری (گیلان‌غربی و ایوان غربی)
brât = برادر	brâ = برا = برادر
{واک آخر}	سئ پرا بهی کلاو دیرن.

sê brâ yaÿ ketw dêren.

سه برادر یک کلاه دارند (شوهانی، ۱۳۹۶: ۵۴).

در گویش کلهری امروز، واژه مزبور با حذف واک پایانی (t) به کار می‌رود.

پهلوی	کردی کلهری (گیلان غربی و ایوان غربی)
paxšak = پشه	paxša = پخشه = پشه

{واک آخر}	دلدل نالی کهن، پخشه کووره قول نه لئی (محمدی، ۱۳۹۱: ۱۸۲).
-----------	--

deldel nâlê kan, paxša kura qol aletê.

دلدل را نعل می‌کنند، پشه پایش را بلند می‌کند (محمدی، ۱۳۹۱:

۱۸۲).

در مثال بالا نیز می‌بینیم که در گویش کلهری تنها واک پایانی (k) شکل پهلوی واژه حذف گشته است و به کار می‌رود.

پهلوی	کردی کلهری (گیلان غربی و ایوان غربی)
tâšsin = تراشیدن	tâšin = تاشی = تراشیدن
{واک ۵}	تیشگ دق خواهی نیه تاشی.

têšeg dü xway nyatâšê.

تیشه، دسته خودش را نمی‌تراشد (محمدی، ۱۳۹۱: ۱۵۸).

واک پنجم (s) واژه پهلوی «tâšsin» نیز در گذر زمان حذف گردیده است و همین ساخت دگرگون شده «tâšin» در شکل کلهری امروز مستعمل است.

پهلوی	کردی کلهری (گیلان غربی و ایوان غربی)
vačak = بچه	vača = وه چهی = بچه
{واک آخر}	هر کهس وه وه چهی خواهی دلئی خواهه.

har kas wa vačay xway delê xwaša.

هر کسی دلش به بچه خودش خوش است.

در مثال بالا هم، واک پایانی (k) واژه پهلوی در سیر تاریخی خود به شکل کلهری امروز، حذف شده است.

پهلوی	کردی کلهری (گیلان غربی و ایوان غربی)
hannâm = اندام {واک ۱ و ۳}	anâm = اندام
erây = از این جهت، به این خاطر	erâ = از این جهت، به این خاطر
{واک آخر}	

ganjenak = انبار {واک ۵ و ۶}	ganja = صندوقه عتیقه جات یا ...
{آخر}	

ganânak = بد {۳ واک آخر}	gan = بد
--------------------------	----------

vark = بَرّه	varak = بَرّه {واک ۴}
un = رخنه	unik = رخنه {دو واک آخر}
vāzi = بازی	vāzik = بازی {واک آخر}
pāra = پول خرد	pārak = پول خرد
vê = درخت بید	vêt = درخت بید

۲-۳-۱-۲. فرایند افزایش

این قاعده، افزودن یک واک به واژه جهت سهولت در تلفظ آن است؛ مثلاً در التقای دو مصوّت با هم، یک صامت به عنوان میانجی افزوده می‌گردد؛ برای نمونه «دانا+ان = دانایان». حق شناس معتقد است: «گاهی تحت شرایطی، یک واحد زنجیری به زنجیره گفتار اضافه می‌شود، این را فرایند اضافه می‌خوانیم. فرایند اضافه نیز، مانند فرایند حذف، تابع قواعد نظام صوتی زبان است» (حق شناس: ۱۳۹۲، ۱۵۲).

پهلوی (فره‌وشی، ۱۳۸۰) کردی کلهری (گیلان غربی و ایوان غربی)

râ = برای erâ = ئرا = برای {واک اول}

ئرا قورواخم وه ئلو چاخ بووم.

erâ qorwâxem wa âw çâx bum.

مگر قورباغه هستم که با آب چاق شوم؟ (محمدی، ۱۳۹۱: ۱۴۱).

در مثال فوق «râ») که شکل پهلوی واژه است، تلفظش دشوار است و در گویش کلهری برای سهولت در تلفظ به آغاز واژه، واک (e) افزوده شده است.

پهلوی کردی کلهری (گیلان غربی و ایوان غربی)

valg = برگ valng = وه‌لنگ = برگ {واک ۴}

چۆ وه‌لنگ قه‌ئ پهل له‌رزئ.

çü walng-e qay pal larzê.

مانند برگ روی شاخه می‌لرزد.

در واژه مذکور واک (n) به میانه ساخت پهلوی واژه افزوده‌گرفته است و تبدیل به valng شده و در گویش کلهری امروز به کار می‌رود.

پهلوی کردی کلهری (گیلان غربی و ایوان غربی)

doân = دو تا dovân = دووان = دو تا، دو عدد. {واک ۳}

دوووان چه و دیرم، دووان تر قهره کهم.

dovân čaw dêrem dovânter qard kam.

دوتا چشم دارم دو تای دیگر قرض می‌کنم.

در مثال بالا به دلیل اینکه دو مصوت به هم رسیده‌اند، جهت سهولت در تلفظ واژه، در شکل کله‌ری واک میانجی (v) به میانه واژه پهلوی افزوده شده است.

کله‌ری (گیلان‌غربی و ایوان‌غربی)	پهلوی
awyar = بالاتر، قبل‌تر {واک ۳}	awar = بالاتر
vargen = پشم {۴ واک آخر}	varr = پشم

۳-۱-۲. فرایند تبدیل یا ابدال

قرار دادن یک واک به جای واک دیگر برای ایجاد سهولت در تلفظ را فرایند واک‌ی ابدال گویند. گاهی در زنجیره گفتار یک واحد زنجیری به واحد زنجیری دیگری مبدل می‌شود بی‌آنکه بتوان برای آن در چارچوب فرایندهای همگونی، ناهمگونی و... توجیهی یافت، جز نارسایی همخوان‌های تبدیل شونده)) (حق‌شناس، ۱۳۹۲: ۱۵۷).

کله‌ری (گیلان‌غربی و ایوان‌غربی)	پهلوی (فره و شی، ۱۳۸۰)
frāh = فره = بسیار {واک ۳}	frêh = بسیار
ته‌نک فره‌گر.	

taneke frāh ger.

لاغر پُر اشتها (محمدی، ۱۳۹۱: ۱۵۹).

واک سوم این واژه (ê) در شکل کله‌ری تبدیل به مصوت (a) شده است.

کله‌ری (گیلان‌غربی و ایوان‌غربی)	پهلوی
tešeg = تیشگ = تیشه {واک ۴، ۲، ۵}	tišak = تیشه
تیشگ دق خوهی نیه تاشی.	

têšeg dū xway nyatâšê.

تیشه، دسته خودش را نمی‌تراشد (محمدی، ۱۳۹۱: ۱۵۸).

در مثال فوق، مصوت بلند (i) تبدیل به مصوت کوتاه (e)، واک چهارم (a) به واک (e) و واک پایانی (k) به (g) تبدیل شده است. بنابراین تمام تحولات واک‌ی این واژه مربوط به فرایند تبدیل یا ابدال است.

کله‌ری (گیلان‌غربی و ایوان‌غربی)	پهلوی
têž = تیز = تیز {واک آخر}	têx = تیز
هزار پا دیری له هزار بیشتر، له وا له وارن له تیاره	

تیزتر! (شوهانی، ۱۳۹۶: ۶۴).

hezâr pâ dêrê la hezâr bêšter, la wâ la wârân la tyâra bêšter.

بیشتر از هزار پا دارد از باد و باران و هواپیما تیزتر است
(شوهانی، ۱۳۹۶: ۶۴).

در نمونه مذکور، تنها واک پایانی (x) به (ž) تغییر شکل داده است.

کردی کلهری (گیلان غربی و ایوان غربی)	پهلوی
tūšeg = تووشگ = آذوقه - توشه {واک ۴ و ۵}	tūšak = آذوقه
تووشگ په‌تقه‌مبه‌ر دزی.	

tušeg paŷqambar dezê.

توشه پیغمبر هم می‌دزد (محمدی، ۱۳۹۱: ۱۶۳).

در واژه بالا، دو واک پایانی (ak) به دو واک (eg) تبدیل شده است.

کردی کلهری (گیلان غربی و ایوان غربی)	پهلوی
gal = گهل = دسته، گروه {واک ۲}	gal = دسته، گروه
گهل‌گهل‌نازاران هاتن وه پاگه‌م.	

gal gal nâzârân hâten wa pâgam.

گروه گروه زیبارویان آمدن و در سایه من نشستند (قاسمی و
خانی، ۱۳۶۸: ۵۴).

در شاهد فوق تنها یک تغییر واکی در میانه واژه روی داده است و آن هم تبدیل مصوت بلند (ā) به مصوت کوتاه (a) است.

کردی کلهری (گیلان غربی و ایوان غربی)	پهلوی
benjeg = بته خار {واک ۲ و ۵ و ۶}	banjak = بته
deŷ = دراز {واک دو و سه}	dêr = دراز
dešmen = دشمن {واک ۲}	dušmen = بداندیش
dez = دزد {واک ۲}	dūz = دزد
êrêž = ایرج {واک آخر}	êrêč = ایرج
žyân = زندگی، حیات {واک ۱}	gyân = زندگی، حیات
hemeđ = امید {واک آخر}	hemeđ = امید
hêšten = اجازه دادن {واک ۲ و ۵}	hištan = اجازه دادن

خشک = heš̄k = {واک ۲}	خشک = huš̄k
خنک = hunek = {واک ۴}	خنک = hunak
جای خواب = jivān	جا = jivāk
افتادن = kaften = {واک ۵}	افتادن = kaftan
اسم کوهی - اقامتگاه مادها = mânêšt	اقامتگاه = mâništ
تمیز {واک ۲ و ۳} = pyak	تمیز = pâāk
اصل و نژاد {واک ۲ و آخر}	اصل = tūmak
تشت = tayšt	تشت = tišt
بادام {واک ۳ و ۴} = vāyam	بادام = vâtām

۴-۳-۱-۲. تحول دوگانه

منظور از تحولات دوگانه آن است که در یک لفظ دو نوع فرایند واجی روی داده باشد؛ مثلاً در یک واژه هم تبدیل روی داده باشد و هم کاهش، یا هم افزایش صورت گرفته باشد، هم تبدیل؛ مثال:

پهلوی (فره وشی، ۱۳۸۰) کردی کلهری (گیلان غربی و ایوان غربی)

vačitan = گفتن vaten = وهتن = گفتن

{کاهش واک ۳ و ۴ + تبدیل} وفتن: چه یم.

waten: čaym.

گفتند: می آیم.

در مثال فوق دو نوع تحول روی داده است: ۱- حذف دو واک سه و چهار (č) در میانه واژه ۲- تبدیل واک ششم (a) به (e).

بنابراین ما در این واژه کلهری نسبت به شکل پهلوی آن، شاهد دو فرایند واجی (کاهش و تبدیل) هستیم.

پهلوی کردی کلهری (گیلان غربی و ایوان غربی)

višât = گشاد vešâ = وشا = گشاد

{کاهش واک آخر و تبدیل} ده دهر ته‌نگ و ده زه‌مین وِشا.

{واک ۲}

da dar tang-o da zamin vešâ.

در ورودی آن تنگ است و اما در زمینی گسترده

است (شوهانی، ۱۳۹۶: ۷۰).

در مثال مورد نظر، شاهد دو فرایند واجی (کاهش و تبدیل) حذف واک پایانی (t) و تبدیل واک دوم (i) به (e) هستیم.

کردی کلهری (گیلان غربی و ایوان غربی)	پهلوی
ražin = آرایش	râžênišn = آراستگی

چۆ که و وه هار، خوێان پهژینه

čü kawê wehâr xwyân ražina.

مانند کبک بهاری خود را آراسته‌اند.

در مثال بالا دو تحول واکی روی داده‌است:

۱- حذف سه واک پایانی (išn) ۲- تبدیل واک چهارم (ê) به مصوت بلند (i).

کردی کلهری (گیلان غربی و ایوان غربی)	پهلوی
tanyâ = تنها	tanihâ = تنها

{ کاهش واک ۵ و تبدیل واک ۴ } ته‌نیای بیتره له هاو ری گهن.

tanyây bêtera la hâw rê gan.

تنهایی بهتراست از همراه بد.

در نمونه بالا دو تحول واکی روی داده‌است:

۱- تبدیل مصوت (i) به صامت (y) ۲- حذف واک پنجم (h).

کردی کلهری (گیلان غربی و ایوان غربی)	پهلوی
tireh = قبیله و طایفه - اصل و نژاد	Ĉihrak = نژاد

{ سه تبدیل: ۱ و ۵ و ۶ + حذف واک ۳ } له تیره خل پیره.

la tireh xel-e pira.

از نژاد قبیله پیره.

در واژه فوق، واک یک (Ĉ)، واک پنجم (a) و واک ششم (k) به ترتیب تبدیل شده‌اند به واک‌های (t)، (e) و (h). همچنین واک سوم در شکل پهلوی حذف گردیده‌است.

کردی کلهری (گیلان غربی و ایوان غربی)	پهلوی
âfarem = احسنت - آفرین	âfrin = احسنت

{ افزایش واک ۳ و تبدیل در واک ۵ }

tâl = تلخ { حذف واک ۳ و تبدیل واک دوم از مصوت کوتاه	tahl = تلخ
---	------------

به مصوت بلند {

دزدی = duzih دزدی = dezi {تبدیل واک دوم و حذف واک آخر}

۳. نتیجه گیری

زبان پهلوی، زبان رسمی حکومت ساسانیان در ایران بوده و تا دو قرن بعد از اسلام، در گوشه و کنار مناطقی از کشور کاربرد محاوره‌ای و کتابتی داشته است. زبان کردی (گویش کلهری) نیز از گویش‌های شاخه جنوبی زبان کردی در فلات ایران به شمار می‌رود. وجود واژه‌های متعدد مشترک در کردی کلهری و زبان پهلوی علاوه بر دیرنگی، حاکی از ارتباط تنگاتنگ این دو زبان است. این دست واژه‌های مشترک در دو زبان، از لحاظ آوایی و معنایی اشتراک داشته، تا به امروز به حیات زبانی و ادبی خود ادامه داده‌اند. از مطالعه واژه‌های موجود و مستعمل در گویش کردی کلهری چنان بر می‌آید که پاره‌ای از واژه‌های مشترک با زبان پهلوی در گذر زمان بدون تغییر باقی مانده و پاره‌ای نیز تحت تأثیر دگرگونی‌های زبانی، دچار تحولات واک‌ی شده‌اند.

نتایج این تحقیق حاکی از آن است که بخشی از این واژه‌ها از لحاظ شکل (لفظ) و معنی عیناً از زبان پهلوی به گویش کردی کلهری (گیلان غربی و ایوانی) انتقال یافته‌اند، بخشی دیگر نیز در شکل عیناً انتقال یافته ولی معنای آن‌ها دستخوش تغییر شده است. گروه سوم واژه‌هایی هستند که در آن‌ها تحولات واک‌ی (فرایند کاهش، فرایند افزایش، فرایند تبدیل و فرایند واک‌ی دوگانه) روی داده است.

بر اساس یافته‌های به دست آمده و در پی پاسخ به سؤال اصلی این پژوهش، به طور کلی می‌توان گفت که بسیاری از واژه‌های گویش کلهری زبان کردی ریشه در زبان پهلوی دارند و نسبت به شکل پهلوی‌شان هیچ گونه تغییر و تحولی پذیرفته‌اند و فقط در طول تاریخ دچار تحولات واک‌ی شده‌اند، پس بدین ترتیب فرض اصلی تحقیق هم مورد تأیید قرار می‌گیرد. دیگر این که مطالعه و پژوهش در ساختار زبان کلهری قادر است ما را به سرچشمه‌های زبان فارسی که در طول تاریخ، آماج تهاجم واژه‌های بیگانه بوده است؛ نزدیک‌تر نماید.

منابع

کتاب‌ها

- آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد، (۱۳۸۰)، زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن، تهران: معین.
- اشمیت، رودیگر (۱۳۹۰)، راهنمای زبان‌های ایرانی، (جلد دوم: زبان‌های ایرانی نو)، مترجم حسن رضایی باغ‌بیدی، تهران: ققنوس.

- بیکس، رابرت (۱۳۸۹)، درآمدی بر زبان‌شناسی تطبیقی زبان‌های هند و اروپایی، ترجمه اسفندیار طاهری، تهران: انتشارات دانشگاه.
- پرهیزگاری، سعید و مجید پرهیزگاری (۱۳۸۲) در مسیر گنجگیر: جغرافیای طبیعی ایوان غرب، تهران: عابد.
- جلیلیان، عباس (۱۳۸۵) فرهنگ باشور، تهران: پرسمان.
- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۹۲) آواشناسی، چاپ چهاردم، تهران: آگاه.
- راولینسون، هنری کرزیک، (۱۳۶۲)، گذر از ذهاب به خوزستان، ترجمه اسکندر امان‌اللهی، تهران.
- رضائی باغ‌بیدی، حسن، (۱۳۸۷)، پهلوی، زبان و ادبیات، تهران: سخن.
- شوهانی، علیرضا (۱۳۹۶)، چیستان‌های ایلامی، ایلام: انتشارات زانا.
- عزیززاده، علی اکبر (۱۳۹۰)، تاریخ و جغرافیای تاریخی گیلان غرب، کرمانشاه: باغ‌نی.
- فره‌وشی، بهرام (۱۳۷۱)، فرهنگ پارسی به پهلوی، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قاسمی، محمدعلی و علیرضاخانی (۱۳۶۸)، دیوان کامل شاکه و خان منصورایوانی، ارومیه: انتشارات صلاح‌الدین ایوبی.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا (۱۳۸۵)، واج‌شناسی رویکردهای قاعده‌بنیاد، تهران: انتشارات سمت.
- کریمی، نورالله و اکبر رضایی (۱۳۸۵)، یک هزار ضرب‌المثل کردی کلهری، کرمانشاه: انتشارات کرمانشاه.
- گودرزی، علیرضا، (۱۳۸۱)، ایل کلهر در دوره مشروطیت، کرمانشاه: انتشارات کرمانشاه.
- محمدی، ناهید (۱۳۹۱) کلهرنامه، تهران: دستان.
- میرنیا، علی، (۱۳۶۸)، ایل‌ها و طایفه‌های عشایری کرد ایران، تهران: نسل دانش.
- ناتل خانلری، پرویز، (۱۳۷۴ الف)، تاریخ زبان فارسی، چاپ پنجم، تهران: سیمرخ.
- ناتل خانلری، پرویز، (۱۳۷۴ ب)، زبان‌شناسی و زبان فارسی، چاپ سوم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۷)، دیوان غزلیات، تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، چاپ چهارم، تهران: یاسین.

پایان نامه‌ها

- دلشاد، بهناز، (۱۳۸۶). «گزارش همه‌سویه دیوان شاکه و خان‌منصور و ترجمه آن»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.
- مرادی، علی محمد، (۱۳۷۹)، «تصریف و اشتقاق واژه در گویش کردی کلهری بر اساس صرف زایشی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام.

مجلات

- باقری، مه‌ری (۱۳۶۹)، «بررسی تحولات تاریخی صوت ۷=و در زبان فارسی»، نشریه زبان و ادب فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، دوره ۳۳، شماره ۱۳۴، صص ۴۲-۷۶.
- بدخشان، ابراهیم و زمانی، محمد (۱۳۹۲)، «تحلیل و توصیف فرایند حذف در زبان کردی گویش کلهری»، پژوهش‌های زبان‌شناسی، ش ۸، صص ۱۹-۳۰.
- بدخشان، ابراهیم و زمانی، محمد، (۱۳۹۲)، «تحلیل و توصیف فرایند کشش جبرانی در گویش کردی کلهری بر پایه نظریه بهیگی»، زبان و زبان‌شناسی، ش ۱۷، صص ۱۳۵-۱۵۲.
- تقی پور، علی اکبر (۱۳۶۹)، «پیشنهاد الفبا و خطی برای خواندن و نوشتن گویش کردی کلهری»، چیستا، ش ۶۹، صص ۱۱۸۸-۱۱۹۳.
- خزلی، مسلم و آزادی، سکینه (۱۳۹۷)، «جستاری در قواعد صرفی و نحوی گویش کردی جنوبی (با بررسی موردی سه زیرگویش خزلی، لکی، کلهری)» فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، سال هشتم، ش ۲، صص ۳۹-۶۲.
- کرد زعفران لوکامبوزیا، عالیه و ثباتی، الهام، (۱۳۹۳)، «فرایندهای واجی همخوانی در گویش کردی کلهری» جستارهای زبانی، ش ۱۷، صص ۱۹۱-۲۲۲.
- خنجری، سلمان و راشد، محمد تقی، (۱۳۹۷)، «فرایندهای واجی در گویش کردی سنقر کیلیایی»، فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، سال ششم، ش ۲۱، صص ۲۱-۴۱.
- زمانی، محمد و بدخشان، ابراهیم، (۱۳۹۵)، «تحلیل و توصیف فرایند نرم شدگی در زبان کردی گویش کلهری»، زبان‌پژوهی، ش ۱۹، صص ۸۹-۱۰۲.
- فتاحی، مهدی (۱۳۹۱)، «غلت‌سازی واکه به عنوان راهکاری برای رفع التقای واکه‌ها بررسی نمونه‌هایی در کردی کلهری» مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی، ش ۲۸۱.

بررسی تحولات واکی واژه‌های زبان کردی... (ص ۴۷-۶۹)-----فرهاد پروانه و همکاران ۶۹

- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالییه و اسلامی، فیروزه و آقاگل‌زاده، فردوس، (۱۳۸۹)، «بررسی ساخت هجا و اصل توالی رسایی در زبان فارسی باستان»، فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، ش ۴، صص ۵۱-۷۶.
- ملکی، ناصر و خانی، علیرضا، (۱۳۸۷)، «اصطلاحات و واژه‌های مربوط به اسامی خاص مردان و زنان در گویش کلهری گونه ایوانی»، گویش‌شناسی، ش ۷، صص ۱۴۹-۱۶۱.
- ملکی، ناصر و یارمرادی، داریوش، (۱۳۸۳)، «واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به انار در گویش کلهری»، گویش‌شناسی، ش ۲، صص ۹۰-۹۵.
- ملکی، ناصر، (۱۳۸۳)، «بررسی واژه‌های دامداری در گویش کلهری»، گویش‌شناسی، ش سوم، صص ۵۷-۶۳.
- ناصری، فاطمه، (۱۳۹۷)، «بررسی رفتار نمود ناقص در زبان کردی (گویش کلهری)»، رخسار زبان، ش ۶ و ۷، صص ۱۴۶-۱۶۵.